



قواعد عمومی جهاد اکبر



بیانات حجة الاسلام والمسلمین محمد تقی جواد حاج علی اکبری

در جمع مربیان و شبکه پشتیبان خواهران
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

جلسه اول - مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

- مقدمه
- لزوم تقویت داشته ها و موجودی ها
- شناسه مخصوص رجبیون در عالم آخرت
- لزوم اغتنام فرصت و استفاده از ظرفیت ماه رجب
- لزوم افزایش و تقویت روزانه در همه ابعاد
- توقف ، سکون و عدم رشد ، نقصان انسان مومن
- رشد، فلسفه زندگی انسان مومن
- خودسازی مهم ترین کار انسان مومن
- لزوم مراقبت از خود و محاسبه روزانه
- محاسبه و مراقبت، پیش مقدمه قضاوت
- عدم محاسبه و مراقبت روزانه و عواقب آن
- تقوا کشتی نجات انسان در دنیا
- تقوا نگه داشتن خود در محیط زیست مومنانه
- رسیدگی به نیاز مندان بهترین راه برای توسعه حسنات
- لزوم مراجعه به قرآن و ادعیه در ایام الله

ایام باقی مانده از ماه مکرم رجب، بهره مناسبی از فیوضات و الطاف الهی داشته باشیم. خدمت همه خواهران عزیزمان، مریبان ارجمند اتحادیه در سراسر کشور عرض سلام و آرزوی توفیق دارم. از اینکه خداوند تبارک و تعالی توفیق داده تا در خدمتتان باشیم، بسیار خوشبخت هستم و از خدای متعال دوام این توفیق را هم تمنا می‌کنیم تا انشاءالله به لطف حضرت حق بتوانیم به اتفاق هم برای روزهای بهتر، کارهای بهتر و با کیفیت‌تر قدم برداریم. به لطف خدای متعال متعهد شدیم که یک جلسه هفتگی به عنوان بحث‌های تربیتی اخلاقی معرفتی ترتیب بدهیم و این در واقع اجابتی بود به درخواست مکرری که از طرف عزیزان بود. به ویژه در این مراجعات اخیر و جلساتی که خانم‌ها و آقایان تشریف آوردند؛ به این

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ،
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
وَنَبِيِّنَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ،
أَبَا الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ
وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ
المعصومين المكرمين، سَيِّمًا بَقِيَّةُ
اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ، رُوحِي وَأَرْوَاحُ
الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ

مقدمه

پیشاپیش ایام پر نور مبعث خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) را خدمت همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم. سال روز شهادت مولایمان حضرت امام کاظم (علیه السلام) را هم تسلیت عرض می‌کنیم. امیدواریم به شفاعت این امام عزیز، در



است. با توجه به ارتباط تصویری که نیازمند یک مقدار تطبیق زمان هست که بتوانند همه هماهنگ شوند از این یک ساعت، حدود چهار دقیقه ارائه بنده است و ۲۰ دقیقه هم فرصت پرداختن به مطالب و سوالات شما هست. برای موضوع مورد بحث در این جلسات هم پیشنهادهای متنوعی به ذهن می‌رسد تا ببینیم بالاخره مسیر، ما را به چه سمتی خواهد برد.

لزوم تقویت داشته‌ها و موجودی‌ها

مسئله اصلی عبارت است از اینکه ما باید موجودی‌ها و داشته‌های خودمان را تقویت کنیم. ماه رجب از نگاه امام کاظم (علیه السلام)، شهید عالی قدر بیست و پنجم این ماه، بسیار بزرگ است: «رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَ يَمْحُوفُ فِيهِ

مسئله تاکید شد و برای ما حجت درست کرد. مخصوصاً با توجه به اینکه برای ارتباط، از طریق همین فضای مجازی و ترتیباتی که پسا کرونا و در جریان وضعیت کرونایی کشور فرهنگ سازی و تسهیل شده است. با این وصف حجت بر ما تمام شد تا خدمت عزیزانمان ارائه داشته باشیم و به طور متقابل هم نکته‌ها و مطالب شما را دریافت کنیم. ممکن است سوال، پیشنهاد، نقد و نظری در ارتباط با مباحث تربیتی به ویژه با تأکید بر حوزه اختصاصی دخترانمان و نیازمندی‌های شبکه مربیان داشته باشید که در خلال این جلسات، مطرح فرمائید. البته ممکن است در همان جلسه امکان پرداختن به پیشنهاداتی که مطرح شده نباشد و موکول به هفته آینده اش شود. پیش بینی ما یک ساعت خالص برای جلسه



ظرفیت، خوبی‌ها و حسنات پرورش پیدا می‌کنند و مضاعف می‌شوند این ظرفیت ویژه‌ای است. که در ماه رجب هست چقدر این قدرشناسی می‌خواهد؟

شناسه مخصوص رجبیون در عالم آخرت

امروز بیست و چهارم ماه رجب است. تقریباً به اواخر ماه رسیدیم دیگر چیزی باقی نمانده است. البته شما به حمدالله بهره مند شده اید. ولی از همین مقداری که باقی مانده نیز باید بهره مناسب را برد تا ان شاءالله در زمره رجبیون قرار بگیریم. این اصطلاح رجبیون، اصطلاح ویژه‌ای است؛ راجع به ماه‌های دیگر مثلاً شعبانیون، رمضانیون نداریم؛ این فقط منحصر به

السَّيِّئَاتِ؛ رجب ماه بزرگی است که خداوند [پاداش] نیکی‌ها را در آن دو چندان و گناهان را پاک می‌کند». تعبیر هم تعبیر تکان دهنده‌ای است، در ادبیات عرب استفاده از تنوین را اصطلاحاً می‌گوئیم تفخیم، تعظیم؛ در ماه رجب که ماه بزرگی است؛ خداوند تبارک و تعالی حسنات و خوبی‌ها را مضاعف می‌کند و سیئات، بدی‌ها و گناهان را هم محو می‌کند.

برای سالکین، برای کسانی که بالاخره در طریق کمال سیر می‌کنند و قدم بر می‌دارند ظرفیت این ماه یک ظرفیت و یک امکان بسیار عظیم و فوق‌العاده‌ای است. اینکه فرمود: يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ یعنی یک ظرفیت معنوی و باطنی و ملکوتی در این ماه هست که در آن

۱ کتاب من لایحضره الفقیه ،
ج ۲ ، ص ۹۲



و در صحنه محشر شناسایی می‌شوند. لذا این فرصت، بسیار فرصت مغتنمی است.

لZoom اغتنام فرصت و استفاده از ظرفیت ماه رجب

به خودم و شما عزیزانم عرض می‌کنم مینا را بر این بگذاریم؛ این آخرین رجب عمر ماست. کسی وعده نداده که سال بعد را درک کنیم. خیلی‌ها بوده‌اند مثلاً سال قبل ماه رجب را درک کردند ولی امسال خبری نبود. به عالم بعدی منتقل شدند. بالاخره این احتمال برای همه ما وجود دارد و خیلی جدی هم هست که سال بعد از ما سراغ بگیرند و در پاسخ بگویند: مرخص شدند؛ دیگر نیست. یک مقدار باید اینگونه با این فرصت‌ها مواجه شویم تا احساس و عطش ما برای بهره‌مندی بیشتر باشد و جلوی تصویف شیطانی را بگیرد. تصویف شیطانی هم

ماه رجب است. نمی‌دانم در این ماه خیلی خاص، چه خبراست؟ که یک کسانی می‌توانند به گونه‌ای خوب عمل کنند که با این عنوان شناخته شوند. یعنی اینها در واقع بواسطه حظ و بهره‌ای که از انوار کرامت الهی، رحمت و مغفرت الهی که در این ماه تعبیه شده بهره‌مند می‌شوند و با هویت این ماه چنان گره می‌خورند که جزو رجبیون می‌شوند. گویا یک شناسه مخصوصی دارند و در عالم آخرت اینها را به این نام صدا می‌کنند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٌ فِي بُطْنَانَ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيِّونَ^۲؛ روز رستاخیز سروشی از درون عرش ندا می‌دهد: رجبی‌ها کجایند؟». لابد با همین عنوان این‌ها حضور پیدا می‌کنند

۲ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۵۵، چاپ اسلامیه؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۱ با همین مضمون.



این طور است که موكول به بعد می‌کند. ان‌شاءالله ماه رجب بعدی، امسال نشد؛ بعد، این بعد معلوم نیست کی می‌رسد؟ اما یک چیز نسبه بسیار کم ارزشی است، غیر قابل اعتناست. بنابر این عمده این است که انسان حالا که در وقت هست، بتواند کمال استفاده را ببرد. عالم بعدی هم عالم سختی است. ما تحویل می‌شویم به خودمان، به داشته‌های خودمان، به حسنات خودمان، به سیئات خودمان، و این پرده بین ما و عالم آخرت که همین نفس ماست برداشته می‌شود. حضرت امیر (علیه السلام) در نهج البلاغه فرمودند: «وَقَرِيبَ مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ»؛ خیلی زود این پرده کنار می‌رود و شما یک باره می‌بینید آن طرف هستید. به محض اینکه ما وارد محیط بعدی شویم، تحویل می‌شویم به خودمان، تحویل می‌شویم

به حسنات مان و سیئات مان و همین واقعیت شخصیتمان که هستیم. بنابراین خیلی اهمیت دارد که ما قبل از اینکه به آن نقطه تحویل برسیم و به خودمان عرضه شویم؛ قبل از اینکه به آنجا برسیم شخصیت خودمان را یک ویرایش کنیم؛ حسنات مان را مضاعف کنیم. سیئات مان را پاکسازی کنیم. خوب وقت آن، همین ماه مکرم رجب است. به نص بیان شهید عزیز این ماه، امام کاظم (علیه السلام) که این قدر صریح و روشن فرمود: «رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتُ»^۳ رجب ماه بزرگی است که خداوند [پاداش] نیکی‌ها را در آن دو چندان و گناهان را پاک می‌کن. خداوند تبارک و تعالی در این ماه حسنات شما را پرورش می‌دهد. این عنایت خاص

۳ کتاب من لایحضره الفقیه،

ج ۲، ص ۹۲



پروردگار متعال به بنده هایش است که می‌خواهد هنگام وفات، آنها را با نورانیت و با زیبایی دریافت کند و دریافت شان می‌کند. در لحظه دریافت، ما پاکیزه و نورانی باشیم و از این اشکالات و تاریکی‌ها، آلودگی‌ها در ما نباشد. خدای متعال بنده خودش را این طور می‌پسندد. لذا این امکانات را فراهم کرده است و این امکان در دسترس ماست.

لزوم افزایش و تقویت روزانه در همه ابعاد

به حسب بیان امام کاظم (علیه السلام) انسان مومن باید دائم در حال زیادتی باشد، دائم باید رشد کند و نباید توقف پیدا کند. به بیان صریح و روشن آن حضرت که فرمود: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»؛ کسی که دو روزش مساوی باشد، مغبون

بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۷.

است»، این تعبیر چقدر تکان دهنده هست؟ فرمود اگر کسی دو روزش یکسان شد؛ امروزش و دیروزش را محاسبه کردید دیدید اینها باهم فرقی نمی‌کند. این مغبون است؛ باخته، چرا باخته؟ چون قیمتی ترین چیز را هزینه کرده بدون این که افزایشی داشته باشد. فرمود ما و شما که در این عالم قیمتی تر از سرمایه عمر نداریم؛ چه چیزی قیمتی تر از عمر؟ اگر می‌شناسید بفرمایید؟ عمر گرانبهارترین سرمایه‌ای است که همه آحاد انسان‌ها از آن بهره مند هستند. اگر این سرمایه رفت ولی ما به ازاء پیدا نکرد؛ مغبون می‌شود و هنگامی که گرفتار قبر شد در حالی که مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ، اگر این دو تا مثل هم باشند، سرش کلاه رفته است. بعد فرمود: «وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ»، اما به خدا پناه می‌بریم اگر یک



کسی روز دومش بدتر از روز قبلش باشد و نسبت به روز قبل یک وضع نامناسب تری داشته باشد، ملعون است. چنین کسی ملعون است، گرفتار لعن الهی است و به او دور باش از رحمت پروردگار متعال داده شده است؛ کسی که دارد تو سراشیبی، تو مسیر سقوط حرکت می‌کنند. در کلمات اولیاء خدا این تعبیر ملعون، خیلی تعبیر سنگینی است. فرمودند «وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ»، ببینید مطلب خیلی عجیب و تکان دهنده است اگر کسی به خودش مراجعه کرد؛ در بررسی وضعیت خودش رشد را در خودش ندید، در نقصان و در مسیر کاهش است. به عبارتی وقتی که فردی رشدی برایش اتفاق نیفتاده، نه رشد علم، نه رشد معنوی، نه رشد عملی، نه عمل صالحی زیاده کرده، نه یک فضیلت تازه‌ای را در محیط کمالات

اخلاقی تحصیل کرده است و از جهت علمی و فکری یک اهتزاز، یک پروازی نداشته است؛ از نظر این منطق چنین کسی به همان قاعده اول که عرض کردیم؛ سرمایه ای از عمرش رفته ولی زیادتى در حسنات او چه حسنات فکری، چه حسنات ذکری، چه حسنات اخلاقی، چه حسنات عملی برایش اتفاق نیفتاده است. چنین کسی فرمود: فَهُوَ فِي نُقْصَانٍ اَيْنَ اَدَمَ دَر مَسِيرِ كَاهَشِ اسْت. اَيْنَ عَيْنِ هَمَانِ تَعْبِيرِ قِرْآنِ كَرِيمِ هَسْتِ كِهَ فَرَمُودَ وَالْعَصْرَ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۵ بَه رُوزگارِ سُوگَند. هَمَانَا اَنسَانِ دَر خُسَارَتِ اسْت.».

این همان خسارت است. بعد جمله بعدیش تکان دهنده تر است. فرمودند: «وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ ۶ وَ هَر كِهَ دَر مَسِيرِ كَاسْتِي بَاشَد، مَرگِ بَرایِ او

۵ قرآن کریم سوره عصر

۶ میزان الحکمه ج ۴



کسی با وجود سرمایه گذاری عمر خودش و همه سرمایه گذاری که از طرف اولیاء خدا، وحی، بعثت و.... برای رشد و پروازش صورت گرفته، دائم در حال این کاهش باشد فَاَلَمْ تَوْتَّ خَيْرٌ لَّهٗ مِنْ الْحَيَاةِ بِرَای چنين کسی مردن خیلی بهتر از زنده بودن است. اين چه زنده بودنی است که اين دائماً بدهيش اضافه می شود، دائماً نقصش اضافه می شود و الی نقصان است.

رشد، فلسفه زندگی انسان مومن

بیان روشن و معنای این بیان نورانی امام کاظم (علیه السلام) این است که فلسفه زندگی ما فقط رشد است. فقط سیر به سوی کمال و طی منازل کمال است. ما برای یک چنین برداشت هایی، برای زیادت، برای زیادت در فکر، زیادت در ذکر، زیادت در تقوا، زیادت

بتر از زندگی است». حالا اگر کسی دائماً همین وضعیت را داشته باشد. و از این رشد و زیادت در او جدی نباشد بلکه متوقف باشد؛ مرگ برای او بهتر از زندگی است.

توقف، سکون و عدم رشد، نقصان انسان مومن

اهمیت مطلب آنجا روشن می شود که بدانیم منظور از نقصان این نیست که حتماً گرفتار سیئات باشیم، اگر کسی مرتکب گناه و معصیت شود طبق تعریفی که قبلاً گفتیم ملعون است و تکلیفش معلوم شد. بلکه منظور یک کسی است که رشد ندارد. فرمود اگر کسی رشد ندارد یعنی در حال رفتن به سمت نقص است و کسی که حرکت تکاملی ندارد و به سمت کمال نمی رود بلکه به سمت نقص می رود؛ مرگ برای او بهتر از زندگی است. بنابراین اگر



خودسازی مهم ترین کار انسان مومن

چند وقت پیش این جمله توجه بنده را خیلی به خودش جلب کرد ما در قم یک دفتری داریم؛ همسایه بیت مرحوم علامه طباطبایی اعلی الله مقامه الشریف است و الان تبدیل به یک مرکز قرآنی شده است. این جمله را از قول این مرد بزرگ و این فخر شیعه در زمان ما، روی در بیت علامه دیدم که ما در این عالم هیچ کاری مهمتر از خودسازی نداریم. این جمله علامه است البته من شاید تعبیر را کمی دقیق نگفته باشم این طور در خاطرمان مانده است. خلاصه مهمترین کار ما در این عالم خودسازی است کاری مهمتر از این نداریم و آن چیزی که پیش روی انسان هست همین مسئله خودسازی است.

در اخلاق، زیادت در حسنات و اعمال صالح هستیم. مطلب این است اگر این برداشت نباشد و انسان آن زیادت را نداشته باشد؛ فلسفه وجودیش را از دست داده است. چنین کسی دیگر عملاً دلیلی ندارد که بخواهد باشد و دیگر تا این حد فلسفه وجودیش را از دست می‌دهد. مطلب در این حد اهمیت دارد. لذا این که ما دارای برنامه جدی، قطعی، حتمی، برای کمال فکری، معنوی، اخلاقی، سلوکی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، خودمان باشیم؛ اصلی ترین موضوع زندگی یک انسان مومن است. این برنامه جدی قطعی پیش روی اوست. و با او دارد حرکت می‌کند. و سیر می‌کند.



لزوم مراقبت از خود و محاسبه روزانه

خودش را چگونه نقاشی می‌کند؟ این چه تصویری از خودش را در آن بوم عالم بقا نقش می‌زند. این چه تصویری است؟ باید دائم آن را مداغه کند؛ مراقبت کند «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»^۹. آن قدر این مسئله اهمیت دارد که در سوره مبارکه حشر و دیگر آیات اواخر سوره حشر، لام امر استفاده شده است و نشان دهند اهمیت بسیار بالای این مسئله است چرا که امر لامی، امر بسیار مؤکدی است «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»^{۱۰}. لذا خود امام کاظم (علیه السلام) در بیان دیگری فرمودند: «لَيْسَ مِمَّا مَن لَّمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^{۱۱}، از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی

انسان باید بتواند دائم به فکر کمال و رشد خودش باشد و این را محاسبه داشته باشد. ببینید معنای این تعبیر که «وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نَقْصَانٍ»^۷، محاسبه است. انسان باید حساب کار خودش را داشته باشد و دائم خودش را بررسی کند؛ نظارت داشته باشد. نسبت به وضعیت خودش اشراف داشته باشد. تعبیری که در قرآن کریم آمده تعبیر تکان دهنده ای است فرمود: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»^۸. هر کدام از شما، هر نفسی، هر انسانی، هر واحدی باید با دقت و موشکافانه ببیند که چه چیزی به پیش می‌فرستد؟ برای خودش چه کار دارد می‌کند؟». به عبارتی آن تصویر مانا و قیامتی و آخرتی

قرآن کریم سوره حشر آیه	۹
	۵۹
قرآن کریم سوره حشر آیه	۱۰
	۵۹
الاختصاص : ۲۶ .	۱۱

همان	۷
قرآن کریم سوره حشر آیه	۸
	۵۹

محاسبه و مراقبت، پیش مقدمه قضاوت

من یک وقت توصیه‌هایی که در این بحث‌های روانشناسی و مباحثی که مثلاً به اسم بحث‌های روانشناسی عمل گرا و امثال اینها می‌کنند را ورق می‌زنم بعضی چیزها خیلی خنده دار است. البته یک چیزهای جالبی دارد که قابل استفاده است. اما برخی مطالب خیر بلکه گاهی واقعاً انسان خنده اش می‌گیرد. خیلی هم در جامعه دارد پمپاژ می‌شود. مثلاً یکی از توصیه‌ها تحت عنوان کلید خوشبختی این بود که هرگز دیگران را و خودتان را قضاوت نکنید!

اتفاقاً ما هم دیگران را باید قضاوت کنیم، هم خودمان را باید قضاوت کنیم. متها قبل از دیگران، باید خودمان را قضاوت کنیم. چرا قضاوت نکنیم؟ اگر قضاوت نکنیم موجود بی‌خاصیت تلقی می

نکند». به همین صراحت اگر کسی هر روز به حساب خودش نرسد این از ما نیست. یعنی چی از ما نیست؟ این آدم اگر حساب نفسش دستش نباشد؛ گرفتار همین نقصان و سقوط می‌شود. دیگر این کجا و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) که مکتب رشد، کمال، اعتلای شخصیتی و تعالی است؛ کجا؟ این کجا و آن کجا؟ لذا سرش هم بر می‌گردد به همین محاسبه، لذا باید محاسبه خودش را دائماً جدی داشته باشد. از جمله جاهایی که انسان باید خیلی جدی باشد. با خودش است. ما با دیگران ممکن است؛ یک وقت جدی باشیم، ممکن است یک وقت نباشیم. می‌رود در محاسبات. اما انسان با خودش هیچ وقت نباید شوخی کند.



می تراشد. مخصوصاً اگر یک وقت هایی درباره مباحث عمومی، در جامعه مومنین، در محیط مومنین، از یک کسی خطایی، اشتباهی، معصیتی، سر زد آن را به حساب تسامحی و تساهلی محاسبه می کند. این طور فرض میکند که شاید من اشتباه دیدم این طوری مسئله را می خواهد محاسبه کند. هم چنین درباره کسانی که ما متولی آنها هستیم آنها هم بخشی از شخصیت ما هستند و ما باید در مورد آنها قضاوت کنیم. مگر ما حق داریم راجع به فرزندان این طور عمل کنیم و او را قضاوت نکنیم؟ انسان باید همان محاسبه جدی که راجع به خودش دارد، راجع به عزیزانش هم داشته باشد. حتی کسانی که به یک شکلی به ما سپرده شده اند و ما در امور اخلاقی و فکری آنها یک سهمی داریم، باید محاسبه

شویم. خودمان را قطعاً باید قضاوت کنیم، محاسبه کنیم، مراقبت کنیم. چون ما که اینجا تمام نمی شویم؛ بلکه تازه اینجا شروع می شویم. ما باید با خودمان جدی مواجه شویم، به خودمان نمره بدهیم. کم و زیاد کنیم، محاکمه کنیم. انسان باید قضاوت کامل هم انجام بدهد و حتی تا مرحله محاکمه و معاتبه هم پیش برود و خودش را جریمه و امثال این ها کند. همچنین انسان باید دیگران را هم قضاوت کند، البته قضاوت در اینجا متفاوت است انسان در محیط قضاوت خودش اعمالی را از دیگران می بیند، آنجا تسامح و تساهل نسبت به دیگران می کند. یک وقت انسان برای طرف یک حسنه ای می بیند آن را محاسبه می کند؛ یک وقت سیئه ای می بیند محاسبه می کند. قضاوت می کند منتها تسامح می کند و دلیل برایش



داشته باشیم. متأسفانه گاهی چنین مطالب نادرستی مثلاً به اسم راه سعادت و امثال اینها نوشته می‌شود بعد هم کتاب می‌شود و منتشر می‌کنند و روی جلد را هم که نگاه میکنی حدوداً ۷۰ بار تجدید چاپ شده است و کسی هم متذکر این مطالب نشده است.

است که حضرت می‌خواهند دوستانشان را به خویشتن بانی تشویق می‌کنند. لیس مَنّا، نه اینکه بخواهد آن‌ها را از حوزه ولایت خودشان قطع کنند، منظور این است که نمی‌تواند خودش را جزء پیروان ما بداند، بلکه می‌تواند جزء محبان ما باشد. یک لطائفی هم در این کلمات هست که باید به آن توجه شود. مسئله این است که ما باید در ارتباط با خودمان جدی باشیم. آن کسانی که جدی‌اند و اهل مراقبه و محاسبه هستند؛ مسیر توفیق الهی برایشان هموار می‌شود. خدای متعال، در این چالش‌هایی که با نفس اماره با نیروهای شیطانی و امثال اینها هست کسانی را که عازم در مسیر بر خودسازی هستند کمک می‌کند؛ دستشان را می‌گیرد و انشاءالله به سلامت و عافیت پیش می‌روند.

در محیطی که ما زندگی

ما باید خودمان را دائم مراقبت کنیم، قضاوت کنیم، محاسبه کنیم. حضرت فرمودند اگر این کار را نکنی؛ اصلاً ربطی به ما نداری « لیس مَنّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِی كُلِّ یَوْمٍ ». اگر کسی هر روز به حساب خودش نرسد، اصلاً از ما نیست. البته اینجا از مانیست معنای دیگری هم دارد به اصطلاح می‌گوئیم از نسبت دوستان شان با خودشان، نفی کمال می‌کنند. و آن این

عدم محاسبه و مراقبت روزانه و عواقب آن

ما باید خودمان را دائم مراقبت کنیم، قضاوت کنیم، محاسبه کنیم. حضرت فرمودند اگر این کار را نکنی؛ اصلاً ربطی به ما نداری « لیس مَنّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِی كُلِّ یَوْمٍ ». اگر کسی هر روز به حساب خودش نرسد، اصلاً از ما نیست. البته اینجا از مانیست معنای دیگری هم دارد به اصطلاح می‌گوئیم از نسبت دوستان شان با خودشان، نفی کمال می‌کنند. و آن این



تقوا کشتی نجات انسان در دنیا

محیط زندگی انسان این طور است، محیط ابتلاء است. این کشمکش ها و این فتنه ها و این ابتلاعات و این ها هست. حضرت امام کاظم (علیه السلام) در کافی شریف یک تعبیری دارند و از تعبیری است که مکرر هم نقل شده که از قول لقمان حکیم فرمودند: «این دنیا مثل یک دریای عمیق است» **« إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ »**^{۱۲} ، دنیا دریای عمیقی است که بسیاری در آن غرق شده اند؛ خلق فراوانی در این دریا غرق شده اند و از بین رفته اند، دیگر کسی هم از اینها خبر ندارد که چه شدند؟ غرق شدند، از بین رفتند و ضایع شدند. حضرت فرمودند این یک راه بیشتر ندارد. **«فَلْتَكُنْ سَفِيئَتِكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ»**^{۱۳} ، پس

می کنیم ظاهرا یک راه بیشتر برای نجات نیست. محیط دنیا، خیلی محیط متلاطمی است. زیست این جهانی ما، یک محیط بسیار متلاطم، پراز گردابها، گرداب های خطرناک و طوفان ها، قمرات، ظلمات و بعضها فوق بعض است. محیط زندگی انسان در این دنیا از اول همین طور بوده است و این دیگر هست تا یک وقتی که دیگر این ماجرا ها به یک اعتبار تمام می شود و آن روز موعود، عصر ظهور و آن روز یوم الخلاص فرا می رسد. که انشاء الله خداوند تبارک و تعالی روزی کند که آن روز را ما در ایام حیات مان بینیم. این جزء آرزوهای همه است.



۱۲ اصول کافی: ج ۱ ص ۱۶

ح ۱۲

همان ۱۳

چنان متراکم، فوق یکدیگر قرار گیرد که چون دست بیرون آرد آن را نتواند دید». دنیا این طور است. فرمودند یک راه بیشتر ندارد؛ «فَلْتَكُنْ سَفِيَّتْكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ^{۱۵}، فقط راهش این است، تقوای الهی، اینکه شما سوار کشتی تقوا بشوید. متتها این کشتی، یک خصوصیتی باید داشته باشد که خصوصیاتش را جناب لقمان اینجا گفته است. یکی اینکه باطن این کشتی و آن محیط درونیش ایمان باشد» وَحَشَوْهَا الْإِيمَانَ^{۱۶}». (البته ترجمه این ها یک نسخه هایی دارد که به نظر این نسخه پسندیده تر است) «وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ^{۱۷}، و بادبان کشتی ات توکل». تعبیر خیلی قشنگه و «وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَقِيَمُهَا الْعَقْلُ، وَدَلِيلُهَا الْعِلْمُ،

باید کشتی [نجات] تو در آن، پروامندی از خداوند متعال و تقوی باشد». فرمودند آن کشتی که تو را از وسط این گرداب ها و امواج خروشان و نهنگ ها و مخاطرات و موجودات خطرناکی که آنجا هستند و این گمراهی ها و این ظلمات و نجات می دهد؛ این است که شما سوار کشتی تقوا بشوید. من نمی دانم شما ظلمات دریا را تجربه کرده اید یا نه؟ چیز خیلی حیرت انگیزی است. اصلاً قابل توصیف نیست مخصوصاً اگر شب ابری هم باشد، مهتاب و مختصر ستاره ها هم نباشد و به عنوان مثال نزدیک ساحل و این ها هم نباشد یعنی فاصله داشته باشد و در عمق هم باشد، آن وقت این ظلمات یک چیز شگفت آوری است. به تعبیر قرآن کریم «ظَلَمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا^{۱۸}، ظلمت ها قرآن کریم سوره نور (24)

اصول کافی: ج ۱ ص ۱۶	۱۵
	ح ۱۲
همان	۱۶
همان	۱۷



برسانی تا نجات پیدا کنی و گمان نمی‌کنم از آب در بیابوری و موفق بشوی. خیلی باید همت کنی که خودت را برسانی و می‌خواهد بگوید مطلب خیلی جدی است و راهش هم جدی گرفتن این کشتی تقوا در این مسیر است. منظور این که فقط با تقوا است که امیدواریم از این تلاطم‌ها به سلامت بگذرد و عبور کند. بنابر این راه نجات، سیر بر صراط بندگی، خود را روی آن صراط نگه داشتن؛ تنظیم زندگی و حرکت روی قواعد و حریم‌های الهی است.

تقوا نگه داشتن خود در محیط زیست مومنانه

تقوا این است که انسان خودش را آنجا نگه دارد. روی همان زیست مومنانه و در همان فضا، خودش را مراقبت کند و نگهداری کند. اینجا محیط درونیش ایمان

و سُكَّانُهَا الصَّبْرُ^{۱۸}، و متولّی آن، خرد، و راهنمای آن، دانش، و مسافر آن، شکیبایی باشد». آن قطب نما و راهنمایش علم است اما و سُكَّانُهَا الصَّبْرُ، این سکانها را شما چه معنی می‌کنید؟ سکانها همان چیزی است که امواج به آن می‌زند و نگه می‌دارد، سکان آن هم صبر است. روایت خیلی فوق العاده قشنگی است و جای کار دارد. از آن جمله روایات تمثیلی است که معلوم است امام (علیه السلام) هم این را از سخن لقمان پسند کرده اند که آن را نقل می‌کنند. بعد هم جالب است که در نسخه های دیگر آن، گاهی یک مقدار تفصیل هم داده شده و یک وجوه دیگری داده است. به عنوان مثال آخرش گفته شاید نجات پیدا کنی! بعد با یک تعجبی به پسرش می‌گوید که گمان نمی‌کنم که بتوانی خودت را به یک چنین کشتی همان



امام کاظم (علیه السلام) در یک بیان نورانی فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۱۹}؛ خداوند در زمین بندگان نیازهایی دارد که برای برآوردن نیازهای مردم می‌کوشند؛ اینان ایمنی یافتگان روز قیامت اند». خداوند تبارک و تعالی یک بنده‌هایی در روی این زمین دارد که این‌ها دائماً برای رفع نیازمندی‌های مردم در حرکتند. بعد حضرت بشارت دادند؛ فرمودند: «هُمُ الْأَمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۲۰}؛ آن روزی که همه در ترس و وحشت هستند این‌ها در امانند». انشاءالله ما جزو همین گروه باشیم. در این بین شاید در زمره مهمترین و بزرگترین حوائج مردم، مخصوصاً جوان‌ها و نوجوانها، همین حوائج تربیتی آنها است. این بچه‌ها فرزندان معنوی امام عصر (علیه

کافی: ج ۲، ص ۱۹۷

همان ۲۰

و آن پیش برنده اش که او را در معرض نسیم‌های توفیق الهی قرار می‌دهد توکل است. تعبیر بعدی خیلی عالی است «وَقِيَّمَهَا الْعَقْلُ، أَنْ كَسَى كَمَا دَرَدَ وَسَطَ أَيْنَ مَعَادِلَاتِ رَانَدَ كِي مِي كِنْدَ؛ نَاخِدَايِ أَيْنَ كَشْتِي هَم هَسْت؛ أَنْ هَم جَنَابِ عَقْلِ اسْت. كِه بَايْدِ بَتَوَانْدِ طَبَقِ أَنْ نَقْشَه رَاهَنَمَايِي كِه عِلْمِ هَسْت مَسِيرِيَايِي كِنْدِ وَ خَلَاصَه دَر بَرَابَرِ أَيْنِ شَدْتِ هَايِي كِه اَز أَيْنِ امْوَاكِ مِي آيْدِ صَبُورِي كِنْدِ وَ مَقَاوَمْتِ كِنْدِ تَا بَتَوَانْدِ اِنْشَاءِ اَللّٰهِ بَه سَلَامْتِ اَز اَيْنِ مَهْلَكِه وَ اَز اَيْنِ شَرَايِطِ بَه سَلَامْتِ جَان بِيْرِدِ.

رسیدگی به نیاز مندان بهترین راه برای توسعه حسنات

یکی از بهترین راه‌ها برای توسعه حسنات رسیدگی به نیازمندان است و شاید کمتر چیزی هم این قدر پیش برنده باشد. خیلی فوق العاده است.



رفع حوائج مستاجل بیشتر به چشم طرف نمود می‌کند. و در نتیجه وقتی که مثلاً در آن محورها به چالش می‌خورد اصل امیدش آسیب می‌بیند. بعضی از حوائج هم حوائج بنیادی، پایدار و ریشه‌ای هستند که خود طرف هم به آن توجه ندارد اگر هم به آن رسیدگی نشد آنها خیلی مطالبه نمی‌کنند؛ در واقع رسیدگی به این بخش‌ها هم رسالت مربی‌ها و رسالت کارگزاران حوزه تربیتی نسل جوان هست که می‌وارم به آنها هم توجه لازم و کافی را داشته باشید.

لزوم مراجعه به قرآن و ادعیه در ایام الله

شب و روز بیست و هفتم که مبعث شریف هست، خیلی مهم است، خیلی بزرگ است. انشاءالله به این مراقبت‌ها و ادعیه و پیشنهادهاتی که رسیده است، اهتمام داشته باشید. آن

(السلام)، فرزندان معنوی امام کاظم (علیه السلام) هستند و انشاءالله خود ما هم جزء همین ایتم آنها هستیم. بنابراین این تلاش برای کاری که ما به صورت مشترک با شماها انجام می‌دهیم؛ خیلی موضوعیت دارد و به جای خودش محفوظ، ولی توجه به نیازمندیهای جاری زندگیشان هم خیلی مهم است. زیرا گاهی اگر کسی مخصوصاً در این سنین به آن مبتلا شود در مجموع امیدش آسیب می‌بیند. این خودش یک باب مهمی است که ما مکرر به دوستان عزیزمان در اتحادیه عرض کردیم که آن را همیشه مفتوح داشته باشید و به این مسئله نیازمندی‌های زیستی بچه‌هایمان توجه داشته باشیم. یک کاری انجام بدهیم؛ امید این بچه‌ها صیانت شود. احساس کند پشتیبان دارد. حواستان هم باشد که در کار خیر رسانی،



دعایی که برای شب و روز مبعث رسیده اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالتَّجَلِّيِ الْأَعْظَمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنْ الشَّهْرِ الْمُعْظَمِ^۱، خیلی دعای عظیم القدری است. این ها را انشاءالله داشته باشید و استفاده کنید. مهمتر از همه اینها، مراجعه و قدرشناسی از نعمت قرآن این، حجت الله العظمی در بین ما و بالاترین پیام مبعث شریف است. قدرشناسی به شکر عملی از تلاوت، تدبیر، عمل، فکر و اینهاست. انشاءالله ما باید خیلی بیشتر از اینها با قرآن انس بگیریم بعد هم به اذن الله تعالی مروج باشیم.

همه شما عزیزان را به خدای متعال می‌سپاریم

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى

۲۱ شیخ کفعمی - کتاب «بلد

الامین»

آيَاتِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» پروردگارا ما را از دعای امام زمان بهره مند کن؛ به حق امام کاظم (علیه السلام) به غربت امام کاظم (علیه السلام) به مجاهدت امام کاظم (علیه السلام) به مظلومیت امام کاظم (علیه السلام)؛ قسمت می‌دهیم؛ نظام ما، رهبر ما را در کنف حمایت ولایت حفظ بفرما. ما را در راه رضای آن حضرت ثابت قدم بدار. ما را در مسیر رضای امام زمان مان ثابت قدم بدار. توفیق فراوان کرامت کن. ما را از دعای آن حضرت بهره مند کن. روز به روز ما را در مسیر قدرشناسی از قرآن و عترت موفق بدار. قسمت می‌دهیم به حق محمد و آل محمد (علیه السلام) در باقی



مانده این ماه مکرم رجب
ما را مشمول رحمت، مغفرت،
آمرزش و لطف و کرم خودت
بیش از این قرار بده. بهره
ما را از شب و روز مبعث
فراوان قرار بده. توفیق انس
با رهاورد بعثت؛ قرآن عظیم
را به ما کرامت بفرما. قسمت
می دهیم به حق اولیائت، به
حق مقربان درگاهت، ارواح
مطهر شهدا، امام راحل عظیم
الشان، گذشتگان ما، گذشتگان
این جمع همه را با سید و
سالار شهیدان محشور بفرما.
از جلسه ما به ارواح مطهر
شان نور ریحانی اهدا بفرما.
والسلام علیکم و رحمۃ الله و
برکاته اللهم صل علی محمد
و آل محمد و عجل الفرجهم





موضوع بحث ما در باب قواعد عمومی جهاد اکبر می‌باشد. اینها قواعدی هستند که به هر یک از ما کمک می‌کنند تا در تربیت خودمان و در توسعه شخصیت خودمان، در حفاظت از شخصیت خودمان، در نگاهداشت خودمان بر صراط مستقیم بندگی موفق شویم و بتوانیم به شایستگی عمل کنیم. این قواعد، هم در مبارزه با قوه وهمیه، هم در مبارزه با قوه غضبیه و هم در مبارزه با قوه شهویه مارا یاری خواهد کرد. در هر سه میدان ما به لطف خدای متعال ان شاء الله می‌توانیم وارد یک مبارزه، جهاد و درگیری ظفرمند و کامیاب شویم.

«حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری»